

الله الرحمن الرحيم

به نام خدا

عربی نهایی ۲۰

(دوازدهم تجربی و ریاضی)

مولفان :

پیروز وجان

دکتر محبوبه پارسایی / مریم خالقی

فاطمه یوسفی مغامیر / آسیه گوک آتابای

شهناز فریادی / فاطمه لک زاد

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

عنوان و نام پدیدآور: عربی نهایی ۲۰ (دوازدهم تجربی و ریاضی)/مولفان پیروز و جان ... [و دیگران].
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۱۰۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۲۷۰-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر
یادداشت: مولفان پیروز و جان، محبوبه پارسایی، مریم خالقی، فاطمه یوسفی مگامیر، آسیه گوک آتابای،
شهناز فریادی، فاطمه لک‌زاد.
عنوان گسترده: عربی نهایی بیست (دوازدهم تجربی و ریاضی).
شناسه افزوده: و جان، پیروز، ۱۳۵۸-
شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۴۲۰۵۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: عربی نهایی ۲۰ (دوازدهم تجربی و ریاضی)
مولفان: پیروز و جان - دکتر محبوبه پارسایی - مریم خالقی - فاطمه یوسفی مگامیر
آسیه گوک آتابای - شهناز فریادی - فاطمه لک‌زاد
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرا: سولماز مدرسی
طراح روی جلد: فرید کر
ویراستار علمی و ادبی: پیروز و جان
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
چاپ: زیرجد
قیمت: ۲۸۴۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۲۷۰-۱
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

- بخش اول: قواعد..... ۵
- الدرسُ الأوَّل: حروفُ مُشَبَّهَةٌ بالفعل..... ۶
- الدرسُ الثَّانِي: الحال..... ۱۰
- الدرسُ الثَّالِث: أُسْلُوبُ الإِسْتِثْنَاءِ وَ الحَصْرِ..... ۱۲
- الدرسُ الرَّابِع: المَفْعُولُ المُطْلَق..... ۱۳
- بخش دوم: تحلیل کتاب بر اساس محورهای سؤالات امتحان نهایی..... ۱۴
- الدرسُ الأوَّل: الدَّيْنُ وَ التَّدْيِينُ..... ۱۵
- الدرسُ الثَّانِي: مَكَّةُ المُكْرَمَةِ وَ المَدِينَةُ المُنَوَّرَةُ..... ۲۹
- الدرسُ الثَّالِث: الكُتُبُ طَعَامُ الفِکْرِ..... ۴۱
- الدرسُ الرَّابِع: الفَرَزْدَق..... ۵۴
- بخش سوم: سؤالات درس به درس ۱..... ۶۶
- بخش چهارم: سؤالات درس به درس ۲..... ۸۳
- نهایی خرداد ۱۴۰۳..... ۱۰۰

امتحانات نهایی و ارزش‌نمرات کسب شده در آن، چند سالی است که چالش‌بزرگی برای همکاران و دانش‌آموزان ایجاد کرده است که موفقیت در آن می‌تواند در تعیین سرنوشت یک دانش‌آموز با توجه به کسب نمرات خوب و در نهایت قبولی در رشته خوب خیلی حائز اهمیت باشد. منتهی تغییر رویکرد طراحی سؤالات و مفهومی شدن آن و روش تصحیح دقیق بصورت الکترونیکی، کسب نمره دلخواه و تراز خوب سوابق تحصیلی را دشوار نموده است. پس برای کسب موفقیت در پاسخگویی صحیح به سؤالات لازم است که دانش‌آموز بر کتاب درسی و محتوا و مفاهیم آن کاملاً مسلط بوده و قادر باشد به هر تیپ سوالی با تغییرات فراوان از محتوای کتاب درسی پاسخگو باشد و این مطمئناً نیاز به کتابی دارد که جزء به جزء مطالب کتاب را تشریح کند و مطابق با آن، عبارات‌ها و شاهد مثال‌های خوبی مطابق با سؤالات نهایی و حتی سخت‌تر از آن جهت آمادگی بیشتر ارائه دهد. من و اساتید بزرگوار از نقاط مختلف کشور تصمیم گرفتیم کتابی تحت عنوان نهایی ۲۰ برای تمام پایه‌های متوسطه دوم تألیف کنیم تا پاسخگوی این نیاز شما بوده و بتواند شما را بر محتوای کتاب مسلط کند به گونه‌ای که مفهومی شدن سؤالات و تغییر عبارات کتاب توسط طراح سوال در امتحان نهایی نتواند مشکلی برای شما عزیزان ایجاد کند در پایان می‌خواهم به برخی ویژگی‌های کتاب که می‌تواند آن را از سایر کتاب‌ها متمایز کند، اشاره کنم:

۱- بررسی خلاصه‌ای از مباحث مورد نیاز قواعد پایه عربی متوسطه اول

۲- توضیح کامل قواعد درس بصورت خلاصه و مفید

۳- تحلیل کل کتاب درسی (کلمه به کلمه) جهت توانمندی بر پاسخگویی به سؤالات مفهومی

۴- سؤالات درس به درس استاندارد مطابق با آزمون‌های نهایی (هر درس ۲ سوال)

۵- تحلیل سؤالات نهایی

این کتاب می‌تواند خواسته شما را در درس عربی برآورده کند. آرزوی قلبی من و همکارانم موفقیت و سربلندی همه شما عزیزان است.

با آرزوی سلامتی و سربلندی: پیروز و جان



بخش اول:

قواعد

حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ:

این حروف عملی شبیه به فعل دارند بر سر جمله اسمیّه وارد شده و مبتدا را به عنوان اسم خود منصوب (َین) و خبر را به عنوان خبر خود مرفوع (ُونَ اَن) می کنند. عبارتند از: (اِنَّ - اَنَّ - لَکِنَّ - لَعَلَّ - لَیْتَ - کَانَ)

{اِنَّ اللهَ غَفَّارٌ الذَّنُوبِ} اِنَّ: حرف مشبّهة الله: اسم اِنَّ منصوب غَفَّار: خبر اِنَّ مرفوع

معانی حروف مشبّهة بالفعل:

۱- (اِنَّ) در ابتدای جمله می آید و کلّ جمله بعدش را تاکید می کند و به عنوان تاکید کننده کلام و جمله بوده و غالباً در ترجمه آن از (همانا، بی شک، قطعاً - برآستی، بی گمان) استفاده می کنیم.

{اِنَّ اللهَ لَا يُضِيعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ} بی گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

* هرگاه حرف (ما) به حروف مشبّهة متصل شود عمل حروف مشبّهة باطل شده و دیگر ادات حصر است و به معنای (فقط و تنها) بوده و یک کلمه را تأکید می کند.

{اِنَّمَا يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ} قطعاً دانشمندان از بین بندگانش از خدا می ترسند.

۲- (اَنَّ) در وسط دو جمله و به عنوان رابط و برای توأصل (پیوند) و به معنای (که) می باشد.

{قَالَ اَعْلَمُ اَنَّ اللهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} گفت می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست. الله: اسم اَنَّ قَدِيرٌ: خبر اَنَّ

* هرگاه اَنَّ بصورت اَنَّ بیاید به معنای زیرا و بیان علت و در جواب (لماذا) است.

{لِمَاذَا مَآذِهِتَ اِلَى الْمَدْرَسَةِ} لَأَنِّي كُنْتُ مَرِيضاً چرا به مدرسه نرفتی؟ برای اینکه مریض بودم.

* اِنَّ و اَنَّ حرف مشبّهة با اِنَّ شرط و اَنَّ ناصبه اشتباه نشود بعد از حروف مشبّهة، اسم و بعد از حروف شرط و ناصبه، فعل می آید.

۳- (لَکِنَّ) غالباً بعد از (و) و در ادامه جمله و برای کامل کردن پیام و رفع ابهام جمله قبل خود استفاده می شود.

{اِنَّ اللهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَيَّ النَّاسِ وَلَکِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُوْنَ}

بی گمان خدا درای بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند.

الله: اسم اِنَّ ذُو: خبر اِنَّ اَكْثَرَ: اسم لَکِنَّ لَا يَشْكُرُوْنَ: خبر لَکِنَّ

* لَکِنَّ با حرف عطف لَکِنَّ اشتباه نشود البته هر دو به معنای (ولی) است.



۴- (كَانَ) برای تشبیه استفاده می‌شود و به معنای (گویی و همانند) است.

{ كَاتِهِنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ } آنها مانند یاقوت و مرجاند.

* كَانٌ حرف مُشَبَّهَةٌ را با كان فعل ناقص اشتباه نکنید.

۵- (لَعَلَّ) برای جمله‌ای استفاده می‌شود که تحقق آن ممکن است (آرزوی ممکن) و به معنای (شاید و امید است) می‌باشد.

{ اِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ } بی گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است خرد ورزی کنید.

۶- (كَيْتَ) برای جمله‌ای استفاده می‌شود که تحقق آن غیرممکن است (آرزوی غیرممکن) و به معنای (کاش، ای کاش) است.

{ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا كَيْتِي كُنْتُ تُرَابًا } و کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم.

لا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ: عملی شبیه به حروف مشبّهه دارد و اسمش را منصوب و خبرش را مرفوع می‌کند به معنای (هیچ) با ذکر

چند ویژگی:

۱- قبل از اسم جنس می‌آید پس قبل از اسم علم نمی‌آید. ۲- اسم لا نفی للجنس نکره هست اما تنوین نمی‌گیرد.

۳- اسم لا (ال) نمی‌گیرد. ۴- اسم لا غالباً مضاف واقع نمی‌شود. ۵- همیشه اسم، بعد از لا می‌آید. ۶- نفی کننده کل همان جنس است.

{ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا } جزء آنچه به ما آموخته‌ای هیچ دانشی نداریم. علم: اسم لا

{ لَا مُصِيبَةَ أَعْظَمَ مِنَ الْجَهْلِ } هیچ مصیبتی بزرگتر از نادانی نیست. مُصِيبَةٌ: اسم لا

انواع لا:

۱- لا نفی: قبل از فعل مضارع می‌آید و تغییری در اعراب آن ایجاد نمی‌کند و فقط معنای آن را منفی می‌کند.

لا يَكْتُبُ: نمی‌نویسد لا يجلسون: نمی‌نشینند أَلْعَبُ: بازی می‌کنم

۲- لا نهی: قبل از فعل مضارع می‌آید و فعل مضارع را مجزوم (حذف نون بجز ۶ و ۱۲) کرده و از نظر معنایی متضاد امر خواهد بود.

لا تَكْتُبُ: ننویس لا تجلسوا: ننویسید لا يَلْعَبُ: نباید بازی کند

۳- لا به معنای نه: در پاسخ (هَلْ و أ) می‌آید. هل أنت من الكويت؟ لا أنا من ایران

اسلوب‌های ترجمه افعال و اسماء در جملات عربی:

۱- ماضی ساده: (ذَهَبَ: رفت) (ما + ماضی = كَم + مضارع - كَم يَذْهَبُ: نرفت)

۲- ماضی نقلی: (قَدْ + ماضی = گذشته + است - قَدْ ذَهَبَ: رفته است) (لَمَّا + مضارع - لَمَّا يَذْهَبُ = هنوز نرفته است)

۳- ماضی استمراری: (كان + مضارع = می + گذشته - كان يَذْهَبُ: می‌رفت)

(ماضی + مضارع) (جمله وصفیه و حالیه - رأيتُ رجلاً (الرجل) يَلْعَبُ: بازی می‌کرد)



(لِیتَ + ماضی = استمراری - لِیتَ الْمُعَلِّمَ دَرَّسَ: ای کاش معلّم درس می‌داد)

۴- ماضی بعید: (کَانَ + ماضی - گذشته + بود - کُنْتُ ذَهَبْتُ: رفته بودم)

ماضی + ماضی (جمله وصفیّه و حالیه) - رَأَيْتُ رَجُلًا (الرَّجُلَ) قَدْ لَعِبَ: بازی کرده بود

(لِیتَ + ماضی = بعید - لِیتَ الْمُعَلِّمَ دَرَّسَ - ای کاش معلّم درس داده بود)

۵- مضارع اخباری: (مضارع ساده - جواب شرط) يَذْهَبُ: می‌رود / مَنْ يَجْتَهِدُ يَنْجَحُ: موفق می‌شود

۶- مضارع التزامی:

* **فعل شرط:** مَنْ يَجْتَهِدُ يَنْجَحُ: تلاش بکند

* مضارع با لام جازمه (باید + التزامی - لِيَذْهَبُ: باید برود)

* مضارع با لا نهی غائب و متکلم (نباید + التزامی - لَا يَذْهَبُ: نباید برود)

* مضارع با حروف ناصبه (أَنْ، كَيْ، لَكَيْ، حَتَّى، لَ - لِيَذْهَبُ: تا برود / أَنْ يَقْرَأَ: که بخواند)

* جمله وصفیه و حالیه (مضارع + مضارع) أَحَبُّ مُعَلِّمًا (المُعَلِّمَ) يُدْرِّسُ: درس بدهد

* لِیتَ + مضارع لِیتَ الْمُعَلِّمَ يُدْرِّسُ: ای کاش معلّم درس بدهد

۷- مُسْتَقْبَل: (مُثَبَّتْ با س و سوف - سوف يَذْهَبُ: خواهد رفت / منفي با كُنْ - كُنْ يَذْهَبُ: نخواهد رفت)

۸- قَدْ: با ماضی حرف تاکید و نقلی - قَدْ ذَهَبَ: قطعاً رفته است / با مضارع حرف تقلیل «گاهی» - قَدْ يَذْهَبُ: گاهی می‌رود)

۹- امر و نهی مخاطب از نظر دستوی درست در تضاد هم هستند: (إِذْهَبْ: برو / لَا تَذْهَبْ: نرو)

۱۰- در ترجمه اسم فاعل: «وزن فاعل - م» از نده - کَاتِبٌ: نویسنده / مُدْرِّسٌ: درس دهنده)

۱۱- در ترجمه اسم مفعول: «وزن مفعول - م» از شده یا مورد - مَكْتُوبٌ: نوشته شده / مُحْتَرَمٌ: مورد احترام)

۱۲- در ترجمه اسم المبالغة: «فَعَالٌ - فَعَالَةٌ» اگر بر صفت دلالت کند از بسیار - عَفَّارٌ: بسیار آمرزنده / سَيَّارَةٌ: خودرو)

۱۳- در ترجمه اسم التفضیل: «أَفْعَلٌ وَفُعْلَى وَخَيْرٌ وَشَرٌّ» اگر بعدش مِنْ باشد «تر» و اگر بعدش مضاف الیه باشد «ترین» استفاده

می‌شود البته خیر و شر اگر اسم تفضیل نباشد معنای خوبی و بدی و خوب و بد می‌دهد.

هُوَ أَعْلَمُ مِنْكَ: او داناتر از تو است هُوَ مِنْ أَعْلَمِ التَّلَامِيذِ: او از داناترین دانش آموزان است.

خَيْرُ النَّاسِ: بهترین مردم أَنْتَ خَيْرٌ مِنِّي: تو بهتر از من هستی

* خیر و شر اگر (ال) بگیرد یا بعد از (لا نفی للجنس) قرار گیرد و یا صفت واقع شود اسم تفضیل نیست و معنای «تر و ترین» ندارد.

الخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ أَحَبُّ الْعَمَلِ الْخَيْرِ لَا خَيْرَ فِي الصَّدَاقَةِ مَعَ الْكَاذِبِ

محلّ اعرابی کلمات در داخل جمله و علامت‌ها و روش‌های تشخیص:

- ۱- فاعل: بعد از فعل با علامت‌های (وَنَ اِنِ و) يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ يَأْتِي أَبُوكَ يَلْعَبُ الطِّفْلَانِ
- ۲- مفعول: بعد از فعل با علامت‌های (يَنَّ يِنِ اِ) رَأَيْتَ الطَّالِبَ عَرَفْتُ أَبَاكَ هُوَ أَعْطَى الْمُعَلِّمِينَ ...
- ۳- مبتدا: در اول جمله اسمیه با علامت‌های (وَنَ اِنِ و) الْمُهَنْدِسُونَ نَاجِحُونَ الْمُعَلِّمُ ضَاحِكٌ أَخُوكَ طَالِبٌ
- ۴- خبر: غالباً بعد از مبتدا با علامت‌های (وَنَ اِنِ و) الْمُهَنْدِسُونَ نَاجِحُونَ الْمُعَلِّمُ ضَاحِكٌ أَخُوكَ طَالِبٌ
- ۵- نائب فاعل: بعد فعل مجهول با علامت‌های (وَنَ اِنِ و) أَتَى الْجُنُودُ يُحْتَرَمُ أَبُوكَ أُسْتَشْهَدُ الْمُجَاهِدُونَ
- ۶- اسم فعل ناقص: اسم مرفوع (وَنَ اِنِ و) بعد افعال ناقصه كَانَ الطَّالِبُ نَشِيطًا لَيْسَ الْمُعَلِّمُونَ مُتَكَاسِلِينَ
- ۷- خبر فعل ناقص: اسم منصوب (يَنَّ يِنِ اِ) بعد از افعال ناقصه كَانَ الطَّالِبُ نَشِيطًا لَيْسَ الْمُعَلِّمُونَ مُتَكَاسِلِينَ
- ۸- اسم حرف مشبّهة: اسم منصوب (يَنَّ يِنِ اِ) بعد از حروف مشبّهة إِنَّ الطَّالِبَ نَشِيطًا إِنَّ الطَّالِبِينَ نَشِيطِينَ
- ۹- خبر حرف مشبّهة: اسم مرفوع (وَنَ اِنِ و) بعد از حروف مشبّهة إِنَّ الطَّالِبَ نَشِيطًا كَانَ الشَّابُّ أَسَدًا
- ۱۰- اسم لا نفی للجنس: اسم منصوب (لَا) بعد از لا نفی للجنس لَا رَجُلٌ خَائِفٌ
- ۱۱- خبر لا: اسم مرفوع (وَنَ اِنِ و) بعد از اسم لا لَا رَجُلٌ خَائِفٌ
- ۱۲- مضاف الیه: اسم مجرور (يَنَّ يِنِ اِ) بعد از یک اسم بدون (ال و تنوین دار) طَالِبُ الْعِلْمِ مَدْرَسَةُ الطَّالِبِينَ
- ۱۳- صفت: اسم مطابق با اسم قبلش از همه نظر (حرکت - جنس - عدد - معرفه و نکره) الطَّالِبُ النَّاجِحُ مَدْرَسَةُ نَظِيفَةٌ
- ۱۴- مجرور بحرف جرّ: اسم مجرور بعد از حروف (مِنِ - اِلَى - فِی - عَنِ - بَ - لَ - كَ ...) مَدْرَسَةُ نَظِيفَةٌ

فِي الْمَدْرَسَةِ إِلَى الْمَسْجِدِ دو تا با هم را جار و مجرور می گویند.

* دانش آموزان عزیز در بحث محلّ اعرابی فقط اون حالاتی از نقش‌ها توضیح داده شده است که در امتحانات مد نظر هست و از بقیه حالات آن چون انواع فاعل و مفعول و خبر و نائب فاعل و ... بحث نشده است پس یادگیری محلّ اعرابی کلمات با توجه به توضیحات بالا در امتحانات جوابگوی خواسته‌های شما خواهد بود.

حال: وصفی است منصوب که حالت اسم معرفه قبل خود را بیان می کند به اسم معرفه (ذوالحال یا صاحب حال) گفته می شود حال باید با صاحب حال از نظر جنس و عدد مطابق باشد.

جاء الطالب فرحین	رأیت الطالب وَ هُوَ فرح	شاهدتُ التلامیذَ یفرحونَ
صاحب حال حال	صاحب حال حال	صاحب حال حال

انواع حال:

۱- حال مفرد: اسمی است منصوب « ین » و نکره و مشتق «وزن های فاعل - مفعول - فاعیل و ...» که حالت اسم معرفه «معرفه به ال - علم - ضمیر» قبل خود را بیان می کند.

یَلْعَبُ التلامیذُ مَسرورینَ	رأیتُ الطالبَ مُجتهداً	قُتِلَ الجُنْدیُّ مَظلوماً (حال)
------------------------------	------------------------	----------------------------------

* حال و صاحب حال از نظر معرفه و نکره با هم شبیه نیست پس اگر هر دو معرفه یا نکره بود دومی احتمالاً صفت است نه حال.

شاهدتُ التلامیذَ المَسرورینَ	رأیتُ طالباً مُجتهداً	قُتِلَ الجُنْدیُّ المَظلوماً (صفت)
------------------------------	-----------------------	------------------------------------

* پس هرگاه در آخر جمله اسمی بر وزن های «فاعل (مُ) و مفعول (مُ) و فاعیل و فَعیل و ...» بود و قبش اسمی معرفه احتمالاً حال است.

* خبر مفرد افعال ناقصه که شبیه حال هست با حال اشتباه نشود. كان الطالبُ ناجحاً أصبحتِ الطالبةُ مسرورةً (خبر)

۲- حال جمله: هرگاه بعد از اسم معرفه (و + ضمیر منفصل مرفوع) و مطابق با اسم معرفه یا (فعل مضارع - ماضی نقلی) مطابق با اسم معرفه بیاید حال جمله است.

یَلْعَبُ التلامیذُ وَ هُم مَسرورونَ	رأیتُ الطالبَ یجتهدُ (وَ قَدْ اجتهدَ)	شاهدتُ الطالباتِ وَ هُنَّ ناجحاتُ
-------------------------------------	---------------------------------------	-----------------------------------

ترجمه حال مفرد:

* در ترجمه حال مفرد از (ان، انه، درحالی که، با) استفاده می کنیم جاء الطالبُ فرحاً دانش آموز با خوشحالی آمد.

* در ترجمه حال جمله از (درحالی که) قبل جمله حالیه استفاده می کنیم

رأیتُ الطالبَ وَ هُوَ مسرورٌ	دانش آموز را دیدم در حالی که خوشحال بود.
------------------------------	--

* در ترجمه حال مفرد و صفت دقت کنید.

شاهدتُ المعلمینَ المُجتهدینَ:	معلمان تلاشگر را دیدم (صفت)
شاهدتُ المُعلمینَ مُجتهدینَ:	معلمان را تلاشگر دیدم (حال)

ترجمه جملات فعلیه حالیه:

۱- ماضی + مضارع (جمله حالیه) = ماضی استمراری جاء الطالبُ یفرحُ دانش آموز آمد در حالی که شادی می کرد.

۲- ماضی + ماضی نقلی (جمله حالیه) = ماضی بعید رأیتُ التلمیذَ وَقَدْ فَرِحَ دانش آموز را دیدم در حالی که شادی کرده بود.

۳- مضارع + مضارع (جمله حالیه) = التزامی یا اخباری أرى الطلابَ یفرحونَ می بینم دانش آموزان را در حالی که شادی می کنند.

مثال های حال:

إشغَلَ منصورٌ فی المزرعةِ نشیطاً (حال مفرد) وَقَفَ المهندسُ الشابُّ فی المصنعِ مُبتسماً (حال مفرد)
منصور با نشاط در مزرعه کار کرد. مهندس جوان در کارخانه لبخند زنان ایستاد.

اللاعبونَ الإيرانيونَ رجَعوا مِنَ المسابَقةِ مُبتسمینَ (حال مفرد) هاتانِ البنتانِ قامتا بِجولةِ علمیةِ مُبتسمتینِ (حال مفرد)
ورزشکاران ایرانی لبخند زنان از مسابقه برگشتند. این دو دختر لبخند زنان به گردش علمی پرداختند.

وَصَلَ المسافرانَ إلی المطارِ متأخرینَ (حال مفرد) يُشجَعُ المتفرجونَ فریقَهُمُ الفائزَ فرحینَ (حال مفرد)
مسافران با تاخیر به فرودگاه رسیدند. تماشاچیان تیم برنده شان را با خوشحالی تشویق می کنند.

تَجَهَّدُ الطالبةُ فی أداءِ واجباتِها راضیةً (حال مفرد) الطالبتانِ تَقْرآنِ دُروسَهُما مُجدتینِ (حال مفرد)
دانش آموز در انجام تکالیفش با خشنودی تلاش می کند. دو دانش آموز درس هایشان را با تلاش می خوانند.

رأیتُ الفلاحَ وَهُوَ یجمعُ المحصولَ (حال جمله) أشاهدُ قاسماً وَهُوَ جالسٌ بینَ الشجرتینِ (حال جمله)
کشاورز را دیدم درحالی که محصول را جمع می کرد. قاسم را می بینم در حالی که بین دو درخت نشسته.

أسلوب الإستثناء: عبارت است از خارج کردن اسمی از یک مجموعه بوسیله «إلا» و دارای سه رکن است:

- ۱- مُسْتَثْنَى مِنْهُ: (مجموعه) ۲- مُسْتَثْنَى: (اسم خارج شده) ۳- ادات استثناء (إلا: بجز)

حَصَرَ الزَّمْلَاءُ فِي صَالَةِ الإِمْتِحَانِ إِلاَّ حَامِدًا (هم کلاسی‌ها در سالن امتحان حاضر شدند بجز حامد)

مستثنی منه / ادات مُسْتَثْنَى

* اگر جمله با (إلا) مثبت باشد حتماً، و منفی «لا، لم، لَمْ، كُنْ، ما، ليس» باشد اگر ارکان جمله (فاعل - مفعول - مبتدا و خبر و ...) کامل باشد تمام ارکان استثناء هست و جمله کامل بوده و اسلوب استثناء است.

قَرَأَ الطَّالِبُ الدَّرْسَ إِلاَّ الدَّرْسَ الأَخِيرَ / ما شاهدَ المَعْلَمُ التَّلَامِيذَ إِلاَّ عَلِيًّا

فاعل / مفعول (مستثنی منه) / مستثنی / فاعل / مفعول (مستثنی منه) / مستثنی

* هرگاه در جمله قبل از آلا (أحد، شیء، ناس، كل، جميع) و یا بعد از آلا (مِنْ یا بعض + ضمیر) باشد غالباً اسلوب استثناء است چه جمله منفی و چه مثبت باشد. ما جاءَ أَحَدٌ إِلاَّ أَحْمَدَ / ما جاءَ كُلُّ التَّلَامِيذِ إِلاَّ واحداً مِنْهُمْ (اسلوب استثناء)

۲- **اسلوب الحصر (مؤكد):** هرگاه جمله قبل از آلا منفی یا سؤالی باشد و یکی از ارکان اصلی جمله محذوف، مستثنی منه آن حذف شده و اسم بعد از آلا مطابق با رکن حذف شده، محلّ اعرابی (نقش) می‌پذیرد.

{هَلْ جِزَاءُ الإِحْسَانِ إِلاَّ الإِحْسَانُ} (خبر)

ما جاءَ الى المَدْرَسَةِ إِلاَّ حامدٌ (فاعل و مرفوع - چون قبل آلا محذوف است) / ما قَرَأَ الطَّالِبُ إِلاَّ الكِيميَاءَ (مفعول و منصوب - قبل آلا حذف)

* هرگاه بعد از آلا اسم، علامت مرفوع داشته باشد اسلوب حصر و مؤكّد است.

{وَمَا الحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلاَّ لَعِبٌ وَ لَهْوٌ} (خبر و مرفوع)

* جمله‌ای که آلا دارد و با لانیف للجنس شروع شده اسلوب حصر و مؤكّد است. لا إِلهَ إِلاَّ اللهُ (اسم مرفوع: بدل)

* هرگاه در جمله منفی بعد آلا جار و مجرور یا قید زمان و مکان باشد غالباً اسلوب حصر است.

{ما نَجَحَ اللّاعِبُونَ إِلاَّ فِي المُسَابَقَةِ}

* هرگاه در جمله منفی بعد از آلا جمله باشد اسلوب حصر است. ما جاورَتِ قلب امرئِ إِلاَّ وَصِلًا

* هرگاه مُسْتَثْنَى مِنْهُ مجرور بحرف جرّ باشد غالباً اسلوب حصر است. ما جاءَ مِنَ التَّلَامِيذِ إِلاَّ عَلِيٌّ (فاعل)

* إِلاَّ ادات استثناء با آلا (أَنْ + لا) اشتباه نشود. أُرِيدُ إِلاَّ تَدَهَبَ الى السُّوقِ (أَنْ + لا)

ترجمه جمله مؤكّد یا حصر:

۱- منفی با اضافه کردن (کسی یا چیزی) / ما شاهدتُ في المَكْتَبَةِ إِلاَّ كاظماً / در کتابخانه کسی جزء کاظم را ندیدم.

۲- مثبت تأکیدی با (تنها و فقط) / در کتابخانه تنها کاظم را دیدم

* قید تأکید (فقط - تنها - بدون شك) در اسلوب حصر باید قبل از اسم محصور بعد آلا ذکر شود مثل مثال بالا.

مفعول مطلق: مصدری است منصوب هم ریشه فعل که فعل جمله را تأکید و یا چگونگی انجام آن را بیان می کند.

إِسْتَفْرَتْ اللَّهَ إِسْتِغْفَارًا / از خدا بی گمان آمرزش خواستم.
 إِسْتَفْرَتْ اللَّهَ إِسْتِغْفَارًا صَادِقًا / از خدا صادقانه آمرزش خواستم.

انواع مفعول مُطَّلَق:

۱- مفعول مطلق تأکیدی: مصدر منصوب هم ریشه فعل بدون صفت و مضاف الیه که فعل را تأکید می کند.

{كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا}: خدا با موسی قطعاً سخن گفت. {وَأُنزِلَ الْمَلَائِكَةُ نَزِيلًا}: و فرشتگان قطعاً فرود آورده شدند.

مفعول مطلق تأکیدی / مفعول مطلق تأکیدی

۲- مفعول مطلق نوعی: مصدر منصوب هم ریشه فعل با صفت یا مضاف الیه که نوع انجام فعل را بیان می کند.

{فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا}: به زیبایی صبر کن. {إِسْتَفْرَتْ اللَّهَ إِسْتِغْفَارَ الصَّالِحِينَ}: از خدا مانند درستکاران آمرزش خواستم.

مفعول مطلق نوعی / صفت / مفعول مطلق نوعی / مضاف الیه

* مصادر ثلاثی مزید بر وزن های (إفعال / تفعیل / مُفاعلة / إفتعال / إنفعال / تَفَعُّل / تَفَاعُل / إِسْتِفعال) می آید مثل:

إرسال / تعلیم / مُساعدة / افتخار / إنسحاب / تَقَدُّم / تَعَارُف / إِسْتِخدام

* برخی از مصادر افعال مجرد ثلاثی (صَبِرَ - صَبْرًا / ذَكَرَ - ذِكْرًا / هَجَمَ - هُجُومًا / فَتَحَ - فَتْحًا / خَرَجَ - خُرُوجًا / ظَلَمَ - ظُلْمًا / قَرَأَ - قِرَاءَةً / طَارَ - طَيْرَانًا / عَاشَ - عَيشًا / نَامَ - نَوْمًا / ذَهَبَ - ذَهَابًا / جَلَسَ - جُلُوسًا / ضَرَبَ - ضَرْبًا)

ترجمه مفعول مطلق:

۱- مفعول مطلق تأکیدی: از قیود تأکیدی (قطعاً، بی شک، حتماً) قبل فعل استفاده می شود.

{إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا}: براستی که ما قرآن را بر تو بی شک نازل کردیم.

۲- مفعول مطلق نوعی:

الف) نوعی با مضاف الیه: از کلماتی چون (همچون و همانند) قبل از مضاف الیه در ترجمه استفاده می کنیم.

نَاجِيَتْ رَبِّي مُنَاجَاةَ الْخَائِفِينَ (مفعول مطلق نوعی / مضاف الیه) پروردگارم را همچون ترسویان مناجات کردم.

ب) نوعی با صفت: معنای خود صفت قبل از فعل در ترجمه استفاده می شود.

خَرَجْتُ مِنَ الْبَيْتِ خُرُوجًا سَرِيعًا (مفعول مطلق / صفت) از خانه سریع خارج شدم.